# بازشناسی اثر معنا در جاودانگی مکان

## نمونه موردی: روستای هورامان تخت کردستان

دکتر محمدرضا پورجعفر */ علی‌رضا صادقی**/ زاهد یوسفی ***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۰۸/۲۹
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۰۹/۱۲

**چکیده:**

در گفتارها و نوشته‌های گوناگون اندیشمندان عرصه مطالعات سکونت‌گاه‌های جمعی، همواره از معنا به عنوان انگاره‌ای که در ایجاد محیط جمعی مطلوب، نقشی اساسی بر عهده دارد، نام برده شده است. پارامتری که تاکید آن بیشتر بر ویژگی‌های ذهنی فرد است تا کالبد و فرم ظاهری محیط؛ و در حقیقت کیفیت معنا در رابطه با محیط‌های جمعی، نمی‌تواند به صورت مستقل از عرصه ذهنی، خاطرات و فرهنگ ناظر، فرصت ظهور و بروز یابد.

به منظور بررسی مدعا و فرض فوق، در قالب روش تحقیق توصیفی و تحلیلی، و شیوه مرور متون و منابع و اسناد تصویری، ابتدا تعاریفی مختصر از واژگان اصلی نوشته پیش رو چون: محیط، فضا، مکان، معنا و ماندگاری ارائه خواهد شد. در ادامه با تکوین رابطه بین مؤلفه معنا و عنصر مکان از طریق بررسی نظرات صاحب نظران در مورد فرم مطلوب مجتمع‌های زیستی، به بازشناسی تأثیر و نقش اعتقادات و مراسم عرفانی- تاریخی در ایجاد حس تعلق و خاطره سازی و حضور پذیری و به تبع آن ارتقاء نقش محیط به مکان در روستای هورامان تخت از توابع استان کردستان پرداخته و فوایدی که از این رهگذر، می تواند حادث شود بررسی خواهد شد.

### مقدمه و فرض تحقیق

هرگاه سرزمین ایران را یک پدیده به شمار آوریم، و از این جهت آن را واجد دو جنبه ظرف و محتوا بدانیم، مسلماً بعد کالبدی و فیزیکی سازمان فضایی این سرزمین، که همانا ساختار کالبدی پهنه‌هایی چون روستاها، شهرها آن را تشکیل می دهند، در زمره ظرف و یا جنبه فرمال این پدیده به حساب می‌آیند. اما آنچه محتوای این پدیده شمرده می‌شود، خود از دو مولفه عملکردی و معنایی به وجود آمده است که همانا انسان، رفتارها و فعالیت‌های او و همچنین ارزش‌ها، آداب، رسوم، عقاید و باورهای حاکم بر زندگی روزمره وی، آن را شکل داده‌اند. در این پدیده هرگاه این دو انگاره (ظرف و محتوا) در تعامل پویا و مستمر با هم بوده‌اند، دسته‌ای از مکان‌ها و مجتمع‌های

*دکترای شهرسازی و دانشیار و مدیرگروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس تهران.
**دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه تربیت مدرس تهران.
***دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس تهران.

[ Downloaded from jhre.ir on 2026-09-09 ]

**هر اسکان بشری که بر پایه جنبه‌های معنـایی و روحـانی شکل گرفته اسـت، جاودانـه و مانـدگار اسـت و حیـات سالم‌تری را برای ساکنان خود تضمین مـی‌کنـد و زمینـه پیامدهای مثبت اقتصادی را فراهم می‌آورد**

زیستی شکل گرفته‌انـد کـه مطلـوب بـوده و مانـدگار و جاودانه گشته‌اند. گواه این مدعا را می‌توان در این نکتـه دید که در طول تاریخ این سرزمین مجتمع‌هـای زیـستی بسیاری وجـود داشـته‌انـد کـه از بـسیاری از آنهـا جـز مخروبه‌ای بر جای نمانده است در حـالی کـه برخـی از این مجتمع‌ها همچنان زنده‌اند و زندگی در آن‌ها جریـان دارد. مجتمع‌هایی که به واقع یک مکان (جـای) شـمرده مـی‌شـوند. امـا امـروزه متاسـفانه همگـان شـاهد افـول شـکل‌گیـری بافـت‌هـای کالبـدی بـر پایـه جنبـه‌هـای محتوایی- معنایی هستند. در واقع فرض این تحقیـق بـر این پایه شکل گرفته است که هر مجتمع زیستی به پایـه و ارکانی برای حیات خـود نیازمنـد اسـت ایـن پایـه‌هـا می‌توانند اقتصادی، اجتمـاعی و یـا فرهنگـی و معنـایی باشند. در این بین به نظر می‌رسد پایه‌های معنایی نقـشی انکار نشدنی در جریان تداوم حیات یک مجتمع زیـستی مطلوب دارد. بنابراین هـر اسـکان بپـشری کـه بـر پایـه جنبه‌های معنایی و روحانی شکل گرفته است، جاودانـه و ماندگار است و حیات سالم‌تری را برای ساکنان خـود تضمین می‌کند و زمینـه پیامـدهـای مثبـت اقتـصادی را فراهم می‌آورد[1]. در واقع آنچه این نوشتار سعی در تبیین آن دارد، همانا بازشناسی مولفـه **معنـایی** (محتـوا) ایـن پدیده (سرزمین ایران) در یکی از روسـتاهای کردسـتان به نام هورامان تخت (ظرف)، و بازشناخت اثر این مولفه در به وجود آمدن عنصر مکان و به تبع آن حـس مکـان است. به منظور انجام این مهم لازم اسـت ابتـدا جایگـاه انگاره معنا در تعامل میان محیط، فضا، انسان و مکـان مورد بررسی قرار گیرد.

## ادبیات تحقیق

### ۱- محیط

#### ۱-۱- تعاریف محیط

واژه محـیط[2] دارای معـانی گونـاگونی اسـت کـه امکان رسیدن به تعریفی واحد از آن را دشوار می‌کند. فرهنـگ لغـات آکـسفورد در تعریـف محـیط آن را محدوده یا شرایطی تعریف می‌کند کـه هـر پدیـده یـا موجودی در آن زندگی یا فعالیت می‌کند. ( Oxford A.D. , 2007: 511). همچنـین فرهنـگ لغـات فارسی معین محیط را دربرگیرنده، احاطه‌کننده و جای زندگی آدمی معرفی می‌کند. (معین، ۱۳۷۱: ۳۹۲۹). در واقع، فضای اطراف، اصلی‌ترین معیار تعاریف محـیط است. بنابراین هر توصیف، تعریف یـا تبیـین ماهیـت کارکرد محیط باید با توجه به چیزی در فضای اطراف باشد. (لنگ، ۱۳۸۱ : ۸۵). در این راسـتا جغرافیـدانان، روانشناسان، پژوهشگران علوم اجتمـاعی و معمـاران، تعاریف گوناگونی را برای آن ذکر می‌کنند.

#### ۱-۲- تقسیم بندی و ماهیت انواع محیط

در باب تقسیم بندی انواع محیط (نمایه شماره ۱)، با دو نوع محیط مواجه هستیم. اول محیط بالقوه برای رفتار انسان و دوم محیط موثر کـه فـرد بـه آن توجـه می‌کند و آن را مورد استفاده قرار مـی‌دهـد. همچنـین بـسیاری از پژوهـشها بـین محـیط "کالبـدی"[3]، "اجتمـاعی"[4]، "روانـشناختی"[5] و "رفتـاری"[6] تمـایز قایل می‌شوند. محیط کالبدی شامل پهنه‌های زمینـی و جغرافیایی، محیط اجتماعی شامل نهادهای متـشکل از

[ Downloaded from jhre.ir on 2026-09-09 ]

افراد و گروهها، محیط روانشناختی شامل تصاویر ذهنی مردم و محیط رفتاری مجموعه عواملی است که فرد به آن واکنش نشان می‌دهد. آنچه در این تقسیم بندی بیش از هر چیز به دیده می‌آید، تفاوت میان جهان واقعی (حقیقی یا عینی) پیرامون انسان و جهان پدیدارشناختی[۷] است که خودآگاه یا ناخودآگاه، الگوهای رفتاری مردم را به واکنش وا می‌دارد. در دیدگاه جهان پدیدارشناختی، پدیداری جهان به میزان و چگونگی ادراک و التفات ذهن انسان بستگی دارد (اشمیت، ۱۳۷۵، :۲۳). در این رابطه کورت کافکا (۱۹۳۵ )، بین محیط جغرافیایی و محیط رفتاری تمایز قایل می شود، چنانچه محیط جغرافیایی را محیط عینی و واقعیت‌های اطراف انسان می‌داند، و محیط رفتاری را تصویر شناختی محیط عینی ارزیابی می‌کند که اساس رفتار انسان را شکل می‌دهد[۸]. علاوه بر این داگلاس پورتیوس (۱۹۷۷) محیط مفهومی[۹] را مطرح می‌کند که آن را به مفاهیم محیط‌های پدیده‌ای (جغرافیایی) و شخصی (رفتاری) می‌افزاید. در واقع منظور از محیط در بحث حاضر و در تباین با واژگانی چون فضا و مکان، همانا محیط کالبدی یا پدیده‌ای است. محیطی که پاکزاد (پاکزاد، ۱۳۸۵ :٤٥) آن را اینگونه تعریف می‌کند: محیط به هر آنچه در پیرامون وجود دارد و به‌صورت بالقوه با فرد در ارتباط قرار می‌گیرد، اطلاق می‌شود. هر چند که فرد امکان دریافت تمامی اطلاعات موجود را نداشته باشد. محیط تمامی اطلاعاتی است که از پیرامون ما، ارسال می‌گردند. این اطلاعات می‌تواند از محیط طبیعی (هر آنچه در طبیعت است و بدون دخالت انسان به وجود آمده) یا محیط مصنوع (آنچه ساخته دست انسان است) ارسال گردد.

## ۲- فضا

### ۲-۱ تعاریف فضا

برای تعریف فضا[۱۰]، عبارات گوناگونی به کار برده شده است. از جمله فرهنگ لغات فارسی معین در تعریف فضا آن را مکان وسیع، زمین فراخ و ساحت معرفی می‌کند. (معین، ۱۳۷۱: ۲۵۵۲). همچنین فرهنگ لغات انگلیسی آکسفورد دست‌کم ۱۹ معنی برای این واژه می‌آورد که از آن جمله می‌توان به اینها اشاره کرد: "گستره‌ای پیوسته که در آن اشیا وجود دارند و حرکت می‌کنند"، یا "مقداری از یک منطقه که چیز خاصی آن را اشغال می‌کند یا برای هدف خاصی در اختیار گرفته شده است"، یا "فاصله میان

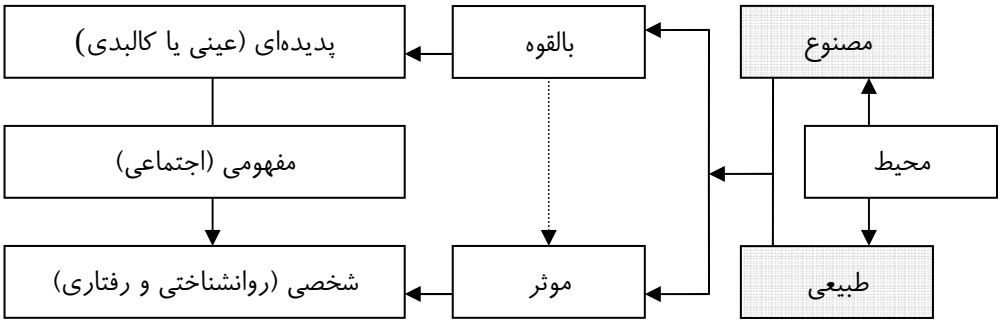


**نمایه شماره ۱: تقسیم بندی انواع محیط. ماخذ: نگارندگان.**

[ Downloaded from jhre.ir on 2026-09-09 ]

نقاط و اشیا". (مدنی‌پور۱۳۸٤ : ۵). در همین رابطه می‌توان فضا را صرفاً از دیدگاه انسان تعریف کرد، در این صورت می‌توان گفت ورای وضعیت ذهنی ما، بازنمودهای فضا به هر شکلی که باشند معنایی ندارند، زیرا نه نشانگر هیچ یک از ویژگی‌ها و مقادیر فضاست، ونه نشانی از آن‌ها در رابطه‌شان با یکدیگر. فضا و زمان نمی‌توانند قائم به ذات باشند و تنها در ما وجود دارند. به این ترتیب و با این دیدگاه آنچه ما اشیای خارجی می‌نامیم هیچ چیز دیگری جز نمودهای صرف احساس‌های ما نیستند، که شکلشان فضاست. (همان: ٦). این گوناگونی معانی، نشانگر پیچیدگی این مفهوم و رویکردهای متفاوت نسبت به آن است.

### ۲-۲ رویکردها به فضا در طول تاریخ[11]

عنصر فضا به عنوان دستمایه اصلی و موضوع رشته‌های علوم انسانی، اجتماعی و محیطی چون فلسفه، جامعه شناسی، جغرافیا، برنامه‌ریزی و معماری از زوایای مختلف و دیدگاه‌های گوناگون مورد تفسیر و توجه قرار گرفته است. به واقع در تاریخ وجودی بشر مباحث عمیق و ریشه‌داری نسبت به مفهوم فضا صورت گرفته است، از آن جمله: ارسطو و نیوتن و دکارت معتقد به نظریه فضای مطلق[12] یا جوهری بوده‌اند. در باور آنها فضا و زمان ظرف‌هایی هستند به گسترش نامتها، که تمام اشیاء را دربرگرفته‌اند. تمام رویدادها و اتفاقات در این ظرف انجام می‌پذیرد.

لایبنیتس و برونو معتقد به فضای رابطه‌ای[13] یا نسبی بوده‌اند: فضا صرفاً متشکل از روابطی است میان چیزهایی بدون حجم و ذهنی. در واقع رابطه گرایان معتقد به این نکته هستند که ظرف به طور منطقی متمایز از اشیایی نیست، که گفته می شود آنها را در خود جای می‌دهد. کانت معتقد به فضای معرفت شناختی[14] است، از دیدگاه معرفت شناسان، فضا مفهومی تجربی که از تجربه بیرونی انتزاع شده باشد، نیست و تنها یک صورت ذهنی ضروری و معرفتیِ پیشینی است که شناخت را امکان پذیر می‌سازد.

بحث فضای مطلق و رابطه‌ای و معرفت شناختی، در دوره حاضر، به شیوه‌ای دیگر مطرح شده است، (نمایه شماره ۲) جایی که فضای مطلق را به عنوان فضای کاملاً متمایز، واقعی و عینی تعریف می‌کنند و فضای رابطه‌ای را، فضایی خلق شده، که به صورت

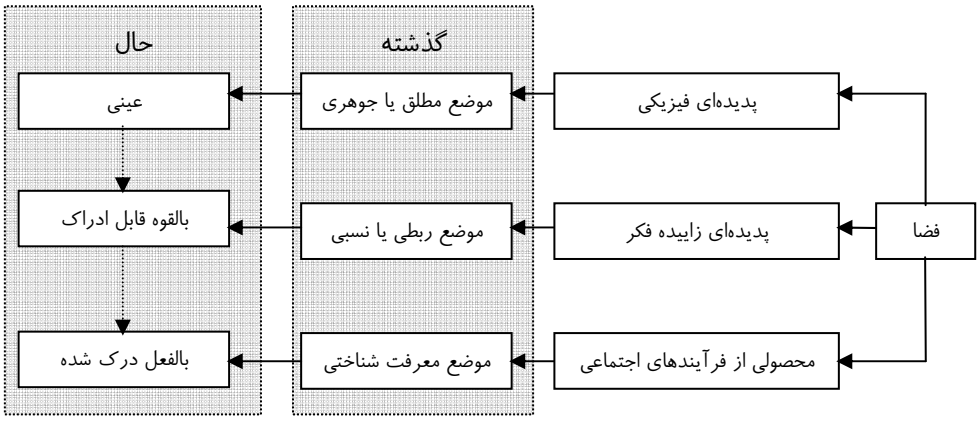


**نمایه شماره ۲: رویکرد به فضا در گذشته و حال. ماخذ: نگارندگان**

[ Downloaded from jhre.ir on 2026-09-09 ]

بالقوه، پتانسیل اثرگذاری بر ذهن ناظر را دارد و فضای معرفت شناختی را فضای بالفعل قابل ادراک، که فرد و جامعه آن را احساس می‌کنند و توجه‌اش بیشتر به مکان است[۱۵]، می‌شمارند. همچنین فضای فیزیکی و اجتماعی، ذهنی و واقعی، ریاضی و ادراکی، روز و شب، خصوصی و عمومی و ... تعاریف دیگری از عنصر فضا هستند. آنچه منظور نوشتار حاضر از مفهوم فضا، در برابر مفاهیم محیط و مکان است، همانا تعریفی است که از فضای رابطه‌ای، فضایی که بالقوه پتانسیل اثرگذاری بر ادراک فرد را دارا می باشد، ارائه شده است.

## ۳- مکان

### ۳-۱ تعاریف مکان

فرهنگ فارسی معین در تعریف مکان آن را جای، محل و جایگاه معرفی کرده و مکان را به دو نوع طبیعی و هندسی تقسیم می‌کند. (معین، ۱۳۷۱: ٤۳۱۱). همچنین در فرهنگ لغت "جغرافیای آکسفورد" (۱۹۹۷، : ۳۲۷) واژه "مکان"، نقطه‌ای خاص در سطح زمین تعریف شده است که محلی قابل شناسایی برای موقعیتی است که "ارزشهای انسانی" در آن بستر، شکل گرفته و رشد یافته است.

### ۳-۲- مکان از دید صاحب‌نظران

مکان، جا یا قسمتی از فضا است که از طریق عواملی که در آن قرار دارند صاحب هویت خاصی شده است. نوربرگ شولتس در این مورد می‌گوید: از همین رو خاصیت وجودی ساختمان است که یک جا را تبدیل به مکان می‌کند و این یعنی به فعل درآوردن محتوای بالقوه محیط. (گروتر، ۱۳۸۳ :۱۳۸). مدنی پور در تعریف مکان می‌گوید: مکان وجهی از فضا است، که به وسیله شخص یا چیزی اشغال شده است و دارای بار معنایی و ارزشی می‌باشد. (مدنی پور، ۱۳۷۹: ۳۲). همچنین افشار نادری (۱۳۷۸، : ٤) آن را نتیجه برهم‌کنش سه مؤلفه "رفتار انسانی" ، "مفاهیم" و "ویژگیهای فیزیکی" ، تصور می‌کند.

**مکان، جا یا قسمتی از فضا است که از طریق عواملی که در آن قرار دارند صاحب هویت خاصی شده است**

"رلف" در کتاب "مکان و بی مکانی" مکانها را ترکیبی از نظم طبیعی و نظم انسانی می‌داند و"هویت" و "کاشانه" و "اجتماع" را مفاهیمی اساسی در این باره می‌داند.

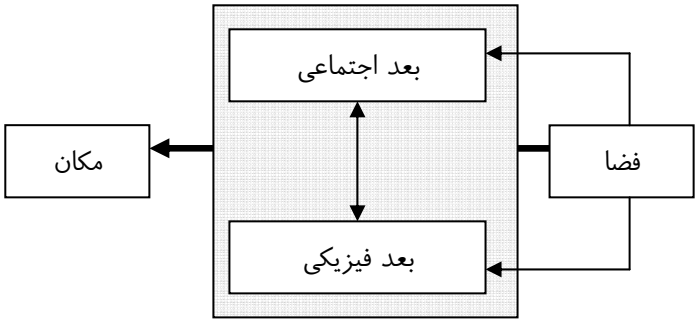


**نمایه شماره ۳:رابطه فضا و مکان. هرگاه دو بعد اجتماعی و فیزیکی فضا در تعامل پیوسته باشند، مکان بروز می‌کند. ماخذ: نگارندگان**

[ Downloaded from jhre.ir on 2026-09-09 ]

### ۳-۳ رابطه محیط، فضا و مکان

رسالت معماری و شهرسازی را می‌توان در این امر دانست که فضا را تبدیل به مکان کنند که به معنای بالفعل سازی محتوای بالقوه محیط است (نوربرگ شولتس، ۱۳۸۱، :۳۱-٤۰). در مورد رابطه بین فضا و مکان (نمایه شماره ۳)، می‌توان گفت: فضاها در صورت کاربست بشری، می‌توانند به مکان ارتقاء یابند و احساس خاص محلیّت را برای شهروندان حاصل کنند (سیمون، ۱۹۸۲). در این نوشتار از آنچه که در بخشهای محیط و فضا، از محیط رفتاری، فضای معرفت شناختی و فضای ادراکی ارائه شد، می‌توان به مکان تعبیر کرد. در واقع مکان، محیطی است که در آن پتانسیل ادراکی موجود در فضا، و خاطره انگیزی بالقوه فضا، به علت وجود کاراکتر و شخصیت خاص فضا، در ذهن ناظر به فعل درآید و ادراک محیطی[۱٦] حاصل گردد. ادراک محیطی با "شناخت"[۱۷] انسان از محیط همراه است (Neisser,1967). و بر این اساس حس قرار گیری در مکان را می‌توان برهم کنش "ادراک حسی"[۱۸] و شناخت، دانست. پس مکان، جایی است که فرد، به سبب نوع ادراکش، نسبت به آن تعلق خاطر دارد.

بنابراین، مکان، فضایی هویت‌مند[۱۹] است: «هرگاه میان عینیت و تصویر ذهنی آن انطباق حاصل شود، پدیده هویت‌مند تلقی می‌شود. فضا نیز همانند هر پدیده دیگری زمانی برای ما دارای هویت خواهد بود که از طرفی بتوانیم آن را موجودی مستقل و عینی تلقی کرده، از طرف دیگر خود نیز به عنوان موجودی عینی در آن فعالیت و رفتار نماییم و بالاخره بتوانیم ذهنیات ناشی از ادراک آن را با ذهنیات خود تطبیق دهیم» (پاکزاد، ۱۳۷۵: ۱۰٤). اگر فضای مورد اشاره، تداعی‌هایی در ذهن فرد ایجاد کند، خاطراتی زنده نماید یا برایش معنای خاصی داشته باشد از پدیده‌ای عینی به موجود ذهنی تبدیل شده، جای خود را در رده ذهنیت باز می‌کند و مکان نام می‌گیرد.

### ۳-٤ نقش معنا در تبدیل فضا به مکان

گفته شد که آنچه یک فضا را به مکان تبدیل می‌کند، ویژگی، رویداد و اتفاق منحصر به فردی است که در آن اتفاق می‌افتد و به آن بار ارزشی می‌دهد. می‌توان این رویداد را به معنا[۲۰] یا کاراکتر[۲۱] آن فضا و آن مکان تعبیر کرد. (نمایه شماره ٤). شولتز در کتاب

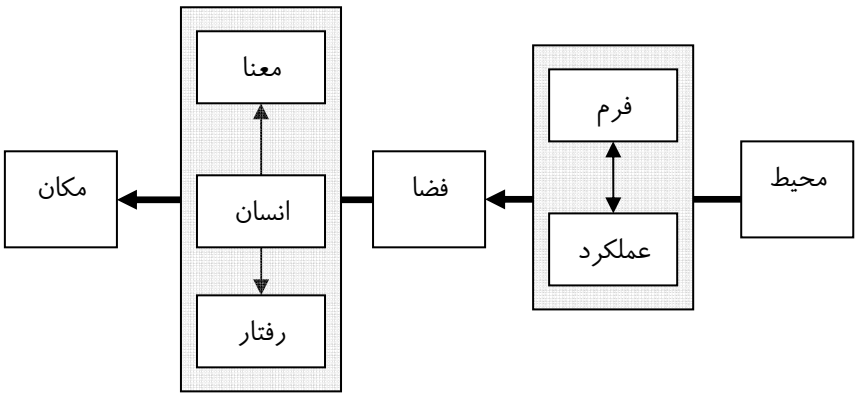


**نمایه شماره٤: رابطه محیط، فضا، معنا و مکان. ماخذ: نگارندگان**

[ Downloaded from jhre.ir on 2026-09-09 ]

معنی در معماری غربی (ص٤٣٢)، کاراکترها را مفاهیمی کیفی می‌داند و در سه دسته کاراکترهای طبیعی، کاراکترهای روحی و معنوی و کاراکترهای انسانی تقسیم بندی می‌کند. کاراکترهای طبیعی کیفیت‌های اشیاء و مصالح را در بر می‌گیرند، کاراکترهای انسانی به روابط و تعاملات اجتماعی و رفتاری انسان می‌پردازند و کاراکترهای معنوی، بر ارزشها و اعتقادات بشری، نه به مثابه انتزاع‌هایی از پدیده‌های طبیعی یا انسانی اشاره دارند. آنچه نوشتار حاضر سعی در تبیین آن دارد، همانا بازشناسی نقش این کاراکترها (که در این نوشتار از آن‌ها به معنا تعبیر می‌شود)، به طور عام و کاراکتر معنوی و اعتقادات بشری به طور خاص، در بروز عنصر مکان است. در واقع نگارندگان بر این اعتقادند که لازمه وجودی عنصر مکان، به عنوان حوزه یا جایی مطلوب، تعامل پیوسته بین معنا موجود در فضا با انسان است. تعاملی که موجبات بروز عکس‌العمل و رفتار را در انسان فراهم آورد.

## ٤- معنا

### ٤-١ تعریف معنا

فرهنگ لغات فارسی معین ذیل کلمه معنا آن را رسم‌الخط فارسی برای واژه معنی معرفی کرده و در تعریف معنی آن را ١- قصد شده، مقصود، مراد ٢- مفهوم کلام و مفهوم سخن ٣- حقیقت ٤- مطلب و موضوع و ٥- باطن می‌داند. (معین، ١٣٧١: ٤٢٤٣). همچنین فرهنگ انگلیسی آکسفورد در تعریف معنا آن را کیفیت یا حس یا استنباطی می‌داند که از یک کلمه، نوشته، فکر و یا رفتار حاصل می‌شود. ( Oxford advanced dictionary, 2007: 951). اصولاً معنا آشکارا بر چیزی دلالت دارد که بیشتر به صورت کمی نیست. معنی، جنبه محتوایی یک پدیده است که جنبه فرمال و ظاهری آن را تکمیل می‌کند.

### ٤-٢ معنا از دیدگاه صاحب‌نظران

پاکزاد (پاکزاد، ١٣٨٥ : ٧١-٧٤) در تعریف معنی، آن را همراه با فرم و عملکرد، یکی از سه مولفه سازنده هر پدیده‌ای می‌داند و تسریع می‌کند که معنا، ارزش، مفهوم و پیام (چه عقلی و چه احساسی) یک پدیده است. همچنین وی در تعریف حس معنی در یک محیط و فضا، آن رابه مفهوم نقش انگیزی ذهنی و معنادار بودن مکان‌ها می‌داند. مولفه‌ای که ابتدا علم روانشناسی، در شاخه‌های متعدد خود مانند روانشناسی توپولوژی، روانشناسی گشتالت، محیط و رفتار، به آن اشاره داشت و سپس در علوم دیگری مانند نشانه‌شناسی، معنی‌شناسی و سیبرنتیک و علوم ارتباطات نیز گسترش یافت و امروزه به معماران و طراحان و برنامه ریزان شهری در شناخت بهتر و کاملتر کلیه جنبه‌های یک مجتمع زیستی کمک شایان توجهی می‌کند. لینچ (لینچ ١٣٧٦: ١٦٦-١٩٢) در تعریفی ساده ولی کامل از معنی آن را خاصیتی از محیط می‌داند که می‌تواند فرد را به دیگر جنبه‌های زندگی ارتباط دهد. وی همچنین در کتاب سیمای شهر معنا را همراه با هویت و ساختار، یکی از سه زمینه‌ای می‌داند که بر اساس آنها تصاویر ذهنی افراد از محیط، قابل تحلیل و تبیین است و آن را اینگونه تعریف می‌کند: معنا، سودمندی احساسی یا عملی عناصر محیط است. (لینچ، ١٣٨١: ١٨-٢٤) همچنین نیسر در توضیح آن می‌گوید: در یک محیط معمولی، بیشتر اشیاء و پدیده‌هایی که درک می‌شوند، بار

[ Downloaded from jhre.ir on 2026-09-09 ]

معنایی نیز دارند. در آنها امکانات مختلفی برای فعالیت وجود دارد. در آنها اشاراتی از وقایعی که اتفاق افتاده و یا ممکن است اتفاق بیافتد، نهفته است. آنها بطور پیوسته و منطقی جزئی از یک مجموعه بزرگتر بوده و دارای هویتی هستند که اهمیتی ورای خصوصیات فیزیکی ساده‌شان دارند. این معانی قابل درک هستند و ادراک می‌شوند. این ادراکات غالباً بسیار صریح و مستقیم به نظر می‌رسند چرا که ما بدون اینکه ظاهراً متوجه جزئیات فیزیکی بشویم، این معانی را درک می‌کنیم. (پاکزاد، ۱۳۸۵ : ۷۱-۷٤). همچنین کاستلز، معنا را تجربه و خاطره برای مردم می‌داند. (کاستلز، ۱۳۸۰ :۲۲).

### ٤-۳ سطح بندی معنا

جان لنگ در کتاب آفرینش نظریه معماری (لنگ، ۱۳۸۱ :۲۳۱)، تسریع می کند: دسته بندی‌های مختلفی از معنا وجود دارد از قبیل Gibson,1974, hereshberger, 1950) ). تمام دسته بندی‌ها بر این دلالت می‌کنند که بعضی از معانی به استفاده‌های ابزاری بالقوه محیط ربط دارند و بعضی معانی دیگر به کیفیت‌های عاطفی که یک مشاهده گر یا استفاده‌کننده از محیط دریافت می‌کند. در مورد دوم ابهام بیشتری وجود دارد. چرا که واژگانی چون تصویر، نشانه و نماد که معرف این نوع از معانی هستند اغلب به جای هم استفاده می‌شوند. همچنین معنی مکان به زمینه محیطی آن نیز بستگی دارد. در این رابطه چارلز موریس سه سطح از معنا را تحت عنوان نحوی، مفهومی و عملکردگرا نام برده است. معنای نحوی از چگونگی قرارگیری یک ساختمان در محیط اطراف نتیجه می‌شود. سطح مفهومی به هنجارها، انگاره‌ها یا نگرشی که یک عنصر ارائه می‌کند اطلاق می‌شود. همچنین معنای عملکردگرا را به استفاده کنندگان از محیط ربط می‌دهند. (همان: ۲۳۱-۲۳۲).

### ٤-٤ معنا و مجتمع زیستی مطلوب

نگارندگان این نوشتار بر این عقیده هستند که عنصر مکان در سطح کلان، در مجتمع‌های زیستی مطلوب نمود می‌یابد و این مجتمع‌ها به سبب توانایی ایجاد حس تعلق در بین ساکنین، و تعامل مطلوب بین انسان، فرم، عملکرد و معنا در آنها، می‌توانند مکان نامیده شوند. صاحب نظران بسیاری در مورد فرم و شکل مجتمع‌های زیستی در عصر حاضر، به ابراز نظر پرداخته، و انگاره‌هایی را برای تشخیص فرم مطلوب اینگونه سکونتگاههای جمعی ارائه داده‌اند. در این بین انگاره معنا، همواره نقشی اساسی در تعاریف ارائه شده از مجتمع زیستی مطلوب برعهده داشته است. از آن جمله کوین لینچ، معنا را در کنار سرزندگی، سازگاری، دسترسی، کنترل و نظارت، کارایی و عدالت، یکی از هفت معیار شکل مطلوب مجتمع زیستی می داند و آن اینگونه تعریف می کند: معنی (حس)، نقش انگیزی ذهنی و معنادار بودن مجتمع های زیستی است (لینچ، ۱۳۷٦ : ۱٤۱-۱٥٤). در همین رابطه یان بنتلی و همکاران در کتاب محیط‌های پاسخده، از دو مؤلفه غنای حسی و رنگ تعلق نام می‌برند که می‌توان این دو مؤلفه را معنای موجود در محیط و اثر ادراک این معنا بر ناظر تعبیر کرد. همچنین در کتاب به کمک طراحی، از هویت یا به تعبیری دیگر معنا، به عنوان کیفیتی که نقش اساسی در موفقیت طراحی محیط‌های کالبدی در سیستم برنامه‌ریزی دارد، نام برده شده است. همچنین در مدل کانتر از مؤلفه‌های مکان، از تصورات به همراه کالبد و



[ Downloaded from jhre.ir on 2026-09-09 ]

فعالیت به عنوان مؤلفه‌های در هم تنیده سازنده عنصر مکان نام برده شده است. در این رابطه رلف در کتاب «مکان و بی مکانی» انگاره‌های مکان را به صورت سه مؤلفه «کالبد، فعالیت و معنی» ارائه داده است. (Carmona , 2003: 99). در همین رابطه، مدل حس مکان رلف – پانتر، معنا را از مولفه‌های سازنده مکان می‌داند و مصداق‌های آن را اینگونه می‌شمارد: خوانایی، تعامل فرهنگی، عملکردهای ادراکی، جذابیت، ارزیابی‌های کیفی. مدل مکان کانتر- مونتگمری نیز در مولفه‌های خود از مکان، از تصورات نام می‌برد و آن را اینگونه تعریف می‌کند: نمادگرایی و خاطره، تصویر پذیری و خوانایی، تجربه حسی، قابلیت ادراک، قدرت پذیرش دسترس روانی، جامعیت و جهان شمول بودن. (ibid). بنابراین معنا، همواره نقشی عمده در شکل گیری فضا، مکان و محیط جمعی مطلوب، خاطره انگیز و به یاد ماندنی داشته است.

**٤-٥ معنا و ماندگاری**

هویت یافتن یک فضا با معانی نمادین و تبدیل شدن آن به مکان، احساس تعلق مردم را به آن فضا و مکان افزایش می‌دهد. همچنین وجود معنا و انگاره‌های معنوی آن چون ارزش‌ها، اعتقادات، مراسم، و آیین‌های دینی، روحانی و معنوی در هر بنا یا معماری یا مجتمع زیستی می‌تواند انسان را با روح آمیخته با آن که دارای سرچشمه‌های ایزدی است آشنا نماید، و موجبات پالایش ذهنی و روحی وی را سبب شود[۲۲]. انگاره‌های معنوی می‌توانند تصور ذهنی به یاد ماندنی و مطبوعی را برای فرد رقم زنند، و حس تعلق به محیط و فضا را در وی به وجود آورد. از اینرو وجود معنای خاص و بالاخص انگاره‌های معنوی در هر پهنه، محیط و مجتمع زیستی، از واحدهای همسایگی و محله‌ها تا روستاها و شهرها و کلان شهرها، می‌تواند زمینه ساز ماندگاری[۲۳] و جاودانگی محیط و فضا و بروز مکان گردد. در واقع معنا و انگاره‌های معنوی آن به سبب تقویت روابط و تعاملات اجتماعی و همچنین عدم تکیه بر منافع شخصی و تاکید بر منافع عمومی و عناصر روحانی در نهایت به ارزش‌های جامعه توجه خواهند کرد و این موضوع عامل مهمی برای ماندگاری و جاودانگی مکان محسوب می‌شود. به این ترتیب مکان نه تنها در یک مقطع تاریخی، بلکه در طول تاریخ مورد رسیدگی و احترام قرار می‌گیرد و فضایی برای تقویت روحیه انسان‌ها و ارتقا روحانی آن‌ها خواهد شد. (پورجعفر، ۱۳۸۲ :۵۱-۵٤). پدیده‌های ماندگار در طول زمان طولانی، می‌مانند و بار می‌گیرند و بخشی از خاطرات جمعی می‌شوند به این ترتیب توجه به انگاره‌های سبب ساز ماندگاری فضا، که معنا و انگاره معنوی آن یکی از آن هاست، باعث می‌شودکه حس تعلق به فضا بیشتر شود. در این حالت فضا دارای زمان دیگری غیر زمان حال می شود. تجربه فضا برای استفاده کننده دلپذیرتر و قدرت تأثیر گذاری فضا نیز تقویت می‌شود و به تبع آن مکان فرصت بروز می یابد و همچنین مجتمع زیستی مطلوب شکل می‌گیرد. به واقع از دیدگاه نگارندگان مکان و به طبع آن مجتمع زیستی مطلوب، ماندگار و جاودانه است. (نمایه شماره ۵).

پس از بازشناسی نقش معنا در به وجود آمدن مکان و شکل مطلوب زیستگاه جمعی، و تدقیق این نکته که مراسم آیینی – مذهبی و نمادهای محلی به عنوان انگاره‌هایی معنوی، همواره نقشی اساسی در شکل‌گیری معنا، و ایجاد تصویر ذهنی مطلوب از محیط و هویت بخشی به فضا و ارتقای فضا به مکان

[ Downloaded from jhre.ir on 2026-09-09 ]

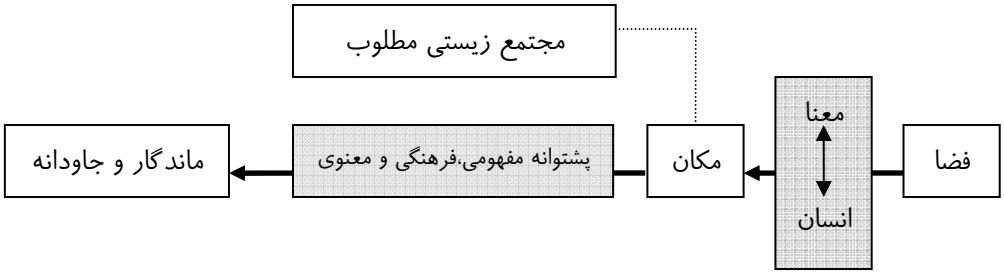


**نمایه شماره ۵: رابطه فضا، معنا، مکان و جاودانگی. ماخذ: نگارندگان**

داشته‌اند؛ (نمایه شماره ٦) به معرفی روستای هورامان تخت و بررسی نقش معنا در این روستا، و تأثیری که وجود آن می‌تواند بر ارتقای کیفیت زندگی ساکنان روستا از طریق توسعه گردشگری داشته باشد، پرداخته می‌شود.

## ۵- هورامان (اورامان) تخت

### ۵-۱- معرفی کلی و وجه تسمیه

روستای تاریخی هورامان تخت در ۷۰ کیلومتری جنوب غربی شهرستان مریوان واقع شده است. این روستا یکی از روستاهای سروآباد هورامان است. جاده منتهی به این روستا که در دامنه کوه قرار گرفته، از زیبایی بسیار خاصی برخوردار است. (تصویر شماره ۱). بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ این روستا دارای ۱۲۰۰ خانوار و جمعیتی بالغ بر ٦۰۰۰ نفر بوده است. از لحاظ وجه تسمیه، اورامان یا «هورامان» از دو بخش (هورا) یا (اهورا) و (مان) به معنی خانه، جایگاه و سرزمین تشکیل شده است. بنا بر اعتقاد مردم این روستا، روستای اورامانات زمانی شهری بزرگ بوده و مرکزیت خاصی داشته است؛ به همین خاطر از آن به عنوان تخت یا مرکز حکومت ناحیه اورامان یاد می‌کردند.

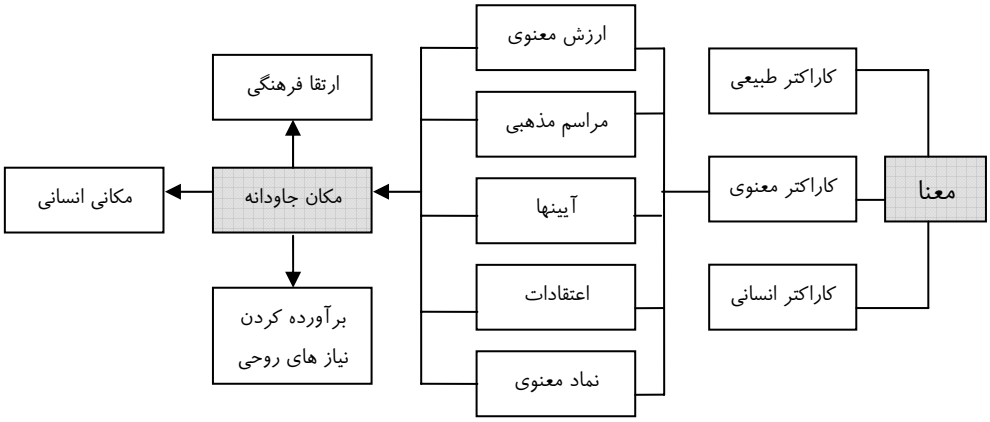


**نمایه شماره ٦. ماخذ : نگارندگان**

[ Downloaded from jhre.ir on 2026-09-09 ]

تصویر شماره یک: شکل‌گیری روستا در پهنه طبیعی منحصر به فرد. ماخذ: منبع ۲۹

تصویر شماره دو: خانه‌ها و مصالح ساختمانی غالب روستا. ماخذ: منبع ۳۰

تصویر شماره سه: فرم پلکانی روستا. ماخذ: منبع ۲۹

**۵-۲ ویژگی‌های کالبدی- عملکردی- طبیعی**

خانه‌های این روستا عموماً از سنگ و اغلب به صورت خشکه چین ساخته شده است. (تصویر شماره ۲) هورامان به علت واقع شدن در دره‌ای شرقی-غربی و شیب تند، به صورت پلکانی ساخته شده است، (تصویر شماره ۳) به شکلی که بام هر خانه حیاط خانه دیگری است. این فرم خاص و منحصر به فرد سبب شده است که گاهی از آن به ماسوله کردستان یاد کنند. به طور خلاصه ویژگی‌های خاص این روستا عبارتند از: ۱.سرزنده و فعال بودن روستا؛ ۲. قدمت و زیبایی بافت روستا؛ ۳. ترکیب و تعامل زیبای بافت روستا با محیط اطراف؛ ٤. استفاده از مصالح بومی و نحوه ساخت و ساز متناسب با آن. اما هورامان قبل از آن که به واسطه ویژگی‌های فرمی و طبیعی معروف باشد به واسطه برگزاری مراسم آیینی- عرفانی پیرشالیار شهره عام و خاص است.

**۵-۳ ویژگی‌های معنایی**

**معرفی پیرشالیار**

در روستای هورامان تخت، زیارتگاه و مزاری از مردی اندیشمند وجود دارد که قلبهای مردم این خطه را به سوی خود می‌کشاند. به واقع این بزرگ که پیر شالیار نامیده می‌شود، بر سرنوشت و زندگی این مردمان مؤثر بوده‌است. در مورد پیرشالیار افسانه‌ها، اسطوره‌ها و باورهای متفاوت و متعددی وجود دارد. در واقع پیر شالیار، اسطوره‌ای عظیم در اذهان مردم هورامان میباشد. پیری که سمبل پاکی، راستی، صداقت و نیکوکرداری است. در واقع این افسانه‌ها و باورها، برخواسته از نیازها و تخیلات جمعی مردم هورامان‌اند. پیرشالیار سالها سمبل، اسطوره، الگو و آرزوی مردمان این خطه بوده است. شخصیتی که در نظر آنان شاعر، حکیم و شفابخش و ... بوده است. مردم هورامان تخت معتقدند که پیرشالیار به مرحله فراتر رفتن از منیت و درک والای عرفان رسیده بوده است. آنان معتقدند که پیر با بر زبان آوردن کلمه "من" و تکرار این کلمه مخالف بوده است، و این همان فلسفه پیرشالیار است. تصویر پیرشالیار با اسطوره‌ها و افسانه‌های متعددی که نسل به نسل و سینه به سینه در میان هورامانیان منتقل می‌شود، چهره متفاوتی از وی به دست می‌دهد. افسانه‌هایی که مردم هورامان شدیداً به آنها معتقدند و سبب شده است که روستای بزرگ"هورامان تخت" که زادگاه و محل وفات این پیر می‌باشد، هر ساله و در دو مقطع زمانی مختلف (فصل زمستان و بهار) هزاران نفر را به سوی

[ Downloaded from jhre.ir on 2026-09-09 ]

خود جذب می‌کند. علت حضور این افراد در این روستا، به سبب برگزاری دو مراسم پیرشالیار و کومسای است که به یادبود این پیر فرزانه، انجام می‌گیرد. مراسمی که با دف‌زنی، ترانه‌خوانی، کف‌زنی، پایکوبی، حرکات موزون کردی و سماع همراه است و جنب و جوشی عظیم را در این خطه موجب می‌شود.

## معرفی مراسم آیینی در هورامان تخت

رسم آیینی- عرفانی اول که مراسم پیر شالیار نام دارد، در نیمه بهمن ماه و طی سه مرحله برگزار می‌شود. آغاز مراسم روز چهارشنبه است. بامداد روز نخست غذایی دسته جمعی در روستا پخته و بین ساکنین تقسیم می‌شود. نیمروز روز دوم گروه‌های دف‌زن شروع به دف‌زنی می‌کنند. نوجوانان، جوانان و پیران دست در دست هم زنجیره‌ای بزرگ تشکیل داده و حرکات موزون دسته جمعی را آغاز می‌کنند و با حرکتی نمادین همبستگی همیشگی خود را به نمایش می‌گذارند. در هنگام رقص، افرادی نیز قصیده‌هایی از بر می‌خوانند و گروه بزرگ رقص هم لفظ جلاله «الله» را زمزمه می‌کنند. (تصاویر شماره ٤) درروز پایانی نیز مردم تا شب به رقص می‌پردازند و ساعاتی از شب را که به آن شب نشست می‌گویند، در خانه پیرشالیار می‌گذرانند. حضور دف‌زنان و مداحان، درویشان در حال سماع، و مردم عادی در حال نظاره و انجام حرکات موزون کردی در این مراسم آیینی، بسیار جالب توجه است. مراسم دوم که کومسای نام دارد در پانزدهم اردیبهشت هرسال، انجام می‌شود. طی این مراسم مردم به صورت دسته جمعی به ساییدن سنگی سفید در جوار مزار و "چله‌خانه" پیرشالیار که محل ریاضت کشیدن پیر در جوار روستا می‌باشد، پرداخته و با تیشه و یا تبری مخصوص، قسمتی از آن سنگ را در هم می‌شکنند. در اعتقاد مردم، این سنگ مقدس در طول سال چنان سفت و سخت و محکم است که قابل خرد شدن نیست و فقط و فقط در همین روز

**تصاویر شماره چهار: برگزاری مراسم آیینی- عرفانی (معنایی) همراه با دف زنی، سما و حرکات موزون، که قابلیت حضورپذیری روستا را به نحوی مطلوب افزایش داده و موجبات شکل‌گیری مکانی ماندگار و جاودانه را فراهم ساخته است. ماخذ: منبع ۲۸**

[ Downloaded from jhre.ir on 2026-09-09 ]

مخصوص که به روز کومسای مشهور است، می‌توان آن را شکست. آنها معتقدند کـه سنگ خـرد شده بـار دیگر در طول سال روییده و رشد می‌کند و به شکل و انـدازه اول خود باز می‌گردد.

## فلسفه حاکم بر مراسم آیینی هورامان تخت

در جستجوی فلسفه حاکم بر این مراسم آیینی، و به خصوص مراسم کومسای، آنچه به ذهـن مـی‌رسـد ایـن حقیقت است که ایـن اسـطوره‌هـا نـشان دهنـده اعتقـاد دیرین این مردم به رسـتاخیز و زنـدگی دوبـاره پـس از مرگ، در طبیعت می‌باشد. در واقع نمادهایی از طبیعـت گرایی، نه تنها در ایـن مراسـم بلکـه در بافـت کالبـدی روستا به دیده می‌آید. درها و پنجره‌های منازل هورامـان تخت، به رنگ سبز و آبی بوده و می‌باشند. بدون تردیـد این امر از فلسفه طبیعت گرایی آنـان سرچـشمه گرفتـه است. آبی نمـاد آب و آسـمان و سـبز، رنـگ درختـان، جنگل و طبیعت است. پیرشالیار مفهومی است کـه روح هورامان را سبز گردانیده است و در میان بـرف و سـرما در فصل زمستان، مردم را به سوی خود جـذب کـرده و در حـصار پـر از بـرف هورامـان، نویـد بهـار و مراسـم کومسای را می‌دهد. مردم از هر سوی به هورامان تخـت می‌شتابند و شوق و حرارت پیر، آنان را شعله‌ور ساخته، به خلسه کشانده و به حرکـت وا مـی‌دارد و ایـن خـود نشان می‌دهد کـه پیرشـالیار، مفهـومی اسـت کـه مـرگ نمی‌شناسد. این شور و شوق و هیجان، همراه با طبیعـت بکر و سازمان کالبدی منحصر به فرد، سبب می‌شود کـه روستای هورامان‌تخت پتانسیل فوق العـاده‌ای در تبـدیل شدن به یک قطب گردشگری داشته باشد.

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

گفته شد کـه سـه مولفـه فـرم، فعالیـت و معنـی، مولفه‌های سازنده هر پدیده، محیط و فضایی هـستند. هرگاه این انگاره‌ها به طور سازمان یافته‌ای نظام یابند، و تعامل نظام‌مندی با هم و با انسان به عنوان مخاطـب فضا داشته باشند، بطوریکه این تعامل بتواند بـر ذهـن ناظر فضا تاثیر گذارد و با ذهنیت او ترکیـب شـود، و موجبات بروز عکس العمل یا رفتار در برابر فضا را از سوی او را فراهم آورد، آنگاه عنصر فـضا بـه عنـصر مکـان ارتقاء می‌یابـد. در این بین، و همانگونه کـه در آرای صاحب نظران بررسی شد، نقش معنا، بـه سـبب ایجاد هویتی خاص و منحصر به فرد برای فـضا و بـه تبع آن مکان، از اهمیت بالایی برخـوردار اسـت. ایـن اهمیت به گونه‌ای است که می‌تواند مولفه‌هـای دیگـر را تحـت تـاثیر قـرار داده و تـا حـدودی اثـر نقـصان موجود در آنها را در ذهن استفاده کننده از فضا کاهش دهد و یا موجبات افزایش تاثیر آن‌ها را در ذهـن فـرد فراهم آورد. روستای هورامانات تخت شـاهد خـوبی برای اثبات این مدعا است. برگزاری منظم مراسم‌های آیینی و اعتقادی، به عنـوان کـاراکتری معنـوی، کـه از وجـود و حضور معنایی عمیق و والا در ایـن روستـا

**پتانسیل معنایی موجود در هورامان تخت، می‌توانـد زمینه سپردن نقش یا فعـالیتی تأثیرگـذار بـه آن را فـراهم آورد. ایـن فعالیـت همانـا سـپردن نقـش گردشگری به ایـن روسـتا و تبـدیل آن بـه قطـب گردشـگری فرهنگـی، روسـتایی و اکوتوریـستی (طبیعت گردی) در منطقه و حتی کشور است**

[ Downloaded from jhre.ir on 2026-09-09 ]

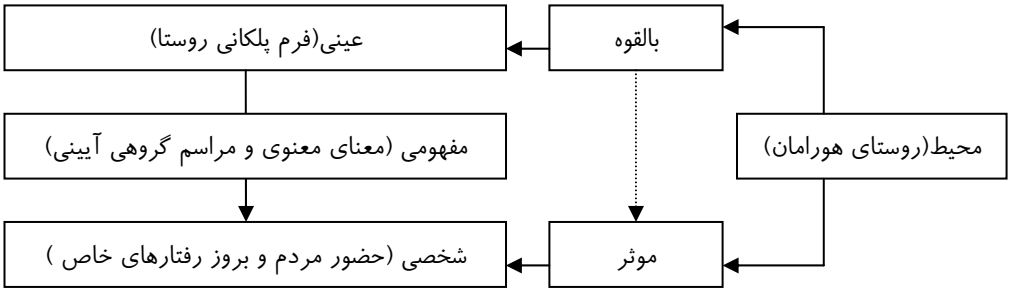


**نمایه شماره ۷: تقسیم بندی محیط در هورامان تخت. ماخذ: نگارندگان.**

حکایت دارد، موجبات حضور پذیری افراد را در این روستا فراهم کرده است. (نمایه شماره ۷).

قدرت این انگاره معنوی سبب شده که نقش هورامان تخت از محیطی معمولی و فضایی ملال آور، به مکانی سرزنده و خاطره انگیز و ایجاد کننده تصور ذهنی مطلوب ارتقا یابد. در این فرآیند (تاثیر و نقش مولفه معنا در ارتقا فضا به مکان)، بر تاثیرگذاری مولفه فرم روستا، که همانا سازمان کالبدی خاص و پلکانی و ارگانیک و همچنین محیط زیست طبیعی آن می‌باشد افزوده شده و نقصان مولفه فعالیت در آن را در ذهن ناظر مکان پوشانیده است. در این بین به نظر می‌رسد پتانسیل معنایی موجود در هورامان تخت، می‌تواند زمینه سپردن نقش یا فعالیتی تاثیر گذار به آن را فراهم آورد. این فعالیت همانا سپردن نقش گردشگری به این روستا و تبدیل آن به قطب گردشگری فرهنگی[۲۴]، روستایی[۲۵] و اکوتوریستی (طبیعت گردی)[۲۶] در منطقه و حتی کشور است. نقشی که در درجه اول موجبات تقویت و تاثیر گذاری بیشتر دو مولفه معنا و فرم را در این مکان فراهم می‌آورد، و سپس سبب تقویت کیفیت زندگی ساکنین روستا از طریق کمک به بهبود اقتصاد هورامان تخت می‌شود. نقش گردشگری بر اقتصاد روستا را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱- منافع حاصل از اشتغال‌زایی گردشگری، ۲- درآمدزایی گردشگری، ۳- منافع حاصل از مالیات‌های اخذ شده از فعالیت‌های گردشگری و ایجاد امکانات جدید برای روستا، ٤- حفظ آثار باستانی، ابنیه تاریخی، جاذبه‌های طبیعی به عنوان منابع درآمدزای اقتصادی، ۵- توسعه صنایع دستی و محلی و فعال شدن صنایع قدیمی و فراموش شده.

به واقع میراث معنوی و مفهومی پیرشالیار به مریدانش رسیده است و تا کنون نیز نسل‌های این مریدان هنوز در روستا، مسئولیت اجرای مراسم پیرشالیار را بر عهده دارند. اما آنچه در این رهگذر نیازمند توجه جدی است، ضرورت استفاده از این پتانسیل عظیم معنایی- اعتقادی که منتج به شکل‌گیری مکانی خاطره‌انگیز و پویا و دارای کیفیت حضور پذیری فوق العاده شده است، در بهبود و ارتقای کیفیت زندگی ساکنین این روستای تاریخی و همچنین ارائه خدمات مطلوب گردشگری به بازید کنندگان هورامان تخت است.

[ Downloaded from jhre.ir on 2026-09-09 ]

## پی‌نوشت

۱- برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به : پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۲)، "جاودانگی در شهرسازی" ماهنامه شهرداریها، شماره ٥٤ صفحات ٥١-٥٤

2- Environment
3- Physical Environment
4- Social Environment
5- Psychological Environment
6- Behavioral Environment

۷- پدیدار شناسی (Phenomenology)، «نظم‌واره‌ای است که درصدد توصیف چگونگی تکوین جهان و تجربه‌مندی آن از طریق آگاهی می‌باشد» (ون مانن،۲۰۰۰) پدیدار را نیز می‌توان چیزی دانست که به‌خودی خود ظاهر است، یعنی آنچه خود را نشان می‌دهد؛ «نه از آن جهت که از چیز دیگری حکایت می‌کند یا مدلول چیز دیگری است» (دارتیک، ۱۳۷٦، ص۱۳۸).

۸- برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به: لنگ، جان، (۱۳۸۱)، "آفرینش نظریه معماری"، ترجمه علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ص۸۷-۹٤

9- Conceptual Environment
10- Space

۱۱- برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به: پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۷) «نظام فضایی در شهرها از دیدگاه طراحی شهری»، جزوه درسی مبانی طراحی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، صفحات : ۷۱-۸٦

12- Substantive Space
13- Relational Space
14- Epistemological Space
15- Place
16- Environmental Perception

ادراک محیطی، فرایندی است که انسان، داده‌ها و انگاشته‌های ذهنی لازم را از محیط پیرامون دریافت می کند. همچنین ادراک را می‌توان فرایندی هدفمند دانست که طی آن فرد به دریافت ارسالات محیطی می‌پردازد و برآمده از فرهنگ و ارزشهای ساختاری حاکم بر جوامع بشری است.

17- Recognition
18- Sense Perception
29- Identifiable
20- Meaning
21- Character

۲۲- حضرت مولانا در این رابطه می‌فرماید:

معنی آن باشد که بستاند تو را  بی‌نیاز از نقش گرداند تو را

23- Stability

ماندگاری عبارتست از میزان مقاومت عناصر یک مجتمع زیستی در مقابل فرسودگی و زوال و دارا بودن فعالیت طی دوره طولانی (لینچ، ۱۳۷٦ : ۱٤٤)

۲٤- در این نوع از گردشگری جذابیت‌های فرهنگی مورد توجه گردشگر قرار می‌گیرند. گردشگری فرهنگی فرصت‌هایی را بوجود می‌آورد که افراد متعلق به فرهنگ‌های گوناگون بتوانند با یکدیگر در تعامل بوده و به غنای فرهنگی یکدیگر پی ببرند.

۲۵- گردشگری روستایی را ممکن است بتوان بصورت ساده به‌عنوان «مسافرت به مناطق روستایی» تعریف کرد. در واقع بسیاری از ساکنین مناطق شهری علاقه‌مند هستند که هر از چندگاهی محیط تصنعی، شلوغ و مملواز انواع آلودگی‌های (هوا، صوتی، مواد زاید و ...) شهر را ترک کرده و به محیط‌های سالم‌تر، آرام‌تر، بی‌آلایش و کمتر توسعه یافته پناه ببرند.

۲٦- گردشگری طبیعت یا طبیعت‌گردی نوعی از گردشگری است که در آن مسافر به قصد بازدید از منظره‌ها طبیعی و محیط‌های کاملاً طبیعی و بکر به مسافرت می‌رود. در بسیاری از مراجع و منابع، گردشگری طبیعی را جزئی از گردشگری روستایی به حساب آورده‌اند.

## منابع

**۱**- افروغ، عماد، " فضا و نابرابری اجتماعی"، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس(۱۳۷۷).

**۲**- افشار نادری، کامران، "از کاربری تا مکان" ، مجله معمار، شماره٦ ، پاییز ۱۳۷۸.

**۳**- پاکزاد، جهانشاه، "مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری"، وزارت مسکن و شهرسازی، چاپ اول(۱۳۸۵).

٤- پورجعفر، محمدرضا، "جاودانگی در شهرسازی" ماهنامه شهرداریها، شماره ٥٤ (۱۳۸۲).

[ Downloaded from jhre.ir on 2026-09-09 ]

**۵**- دارتیک، آندره، " پدیدار شناسی چیست؟"، ترجمه دکتر محمود نوالی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (۱۳۷٦).

**٦**- سلیمی، هاشم، "زمستان در فرهنگ مردم کرد"، انتشارات سروش، چاپ اول (۱۳۸۱).

**۷**- عفان، محمد شریف، "هورامان"، ماهنامه کردی رامان، شماره ٦۳ (آوریل ۲۰۰۱).

**۸**- کاستلز، مانوئل، عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، انتشارات طرح نو (۱۳۸۰).

**۹**- گروتر، یورگ زیباشناختی در معماری، ترجمه جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی(۱۳۷۵).

**۱۰**- گلکار، کورش مولفه‌های سازنده کیفیت در طراحی شهری. نشریه صفه شماره۳۲ (۱۳۸۰).

**۱۱**- لنگ، جان، "آفرینش نظریه معماری"، ترجمه علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول (۱۳۸۱).

**۱۲**- لینچ، کوین، "تئوری شکل خوب شهر"، ترجمه دکتر حسین بحرینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول (۱۳۷٦).

**۱۳**- لینچ، کوین، (۱۳۸۱)، "سیمای شهر"، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم

**۱٤**- مدنی پور، علی، "طراحی فضای شهری نگرشی بر فرایندی اجتماعی و مکانی"، ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی (۱۳۷۹).

**۱۵**- معین، "فرهنگ لغات معین" انتشارات سپهر تهران، چاپ هشتم (۱۳۷۱).

**۱٦**- نوربری شولتز، کریستین ،"معماری معنا و مکان"، ترجمه ویدا نوروز برازجانی، تهران، نشر جان جهان چاپ اول (۱۳۸۲).

**۱۷**- نوربری شولتز، کریستین"معنی در معماری معاصر غرب"، ترجمه مهرداد قیومی، انتشارات فرهنگستان هنر، چاپ اول (۱۳۸٦).

**۱۸**- نوربری شولتز، کریستیان، "مفهوم سکونت ـبه سوی معماری تمثیلی"، ترجمه محمود امیر یار احمدی، تهران، نشر آگه، چاپ اول (۱۳۸۱).

**19**- Bentley, Ian & Alan Alcock & Paul Murrain & Sue McGlynn & Graham Smith (1977) Responsive Environment, Architectural Press

**20**- Carmona, M (2003) Public Places, Urban Spaces. Architectural press

**21**-DETR (2000) By Design, Urban design in Planning System: towards better practice. Commission for Architecture & Built Environment. London.

**22**- HASSANPUR, AMIR: NATIONALISM ND LANGUAGE IN KURDISTAN (1918-1985) Mellen research university press, San Francisco

**23**- Neisser, u, (1976), cognition & reality, San Francisco: freeman.

**24**- Neisser, u, (1967), cognitive psychology, englewood cliffs, nj

**25**- Oxford Advanced Learner's Dictionary, (2007). Oxford University Press

**26**- Relph, Edward (1976), Place and Placeless ness. London: pion

**27**- http://www.tebyan.ir, 2008, 06. 21

**28**- http://www.chn.ir/news , 2008, 06, 21

**29**- http://www.google.com/image/ oramane takht, 2008, 06, 15

**30**- http:// parandeysefid.blogfa.com, 2008, 09.12

[ Downloaded from jhre.ir on 2026-09-09 ]